



نبرد هارمجدون (1)

از سال 1980، این عادت در من پیدا شده است که هر یکشنبه، برنامه «ساعت بشارت انجیل کهن» فال ول را در تلویزیون بگیرم.

برای آنکه مطالب بیشتری درباره خداشناسی هارمجدون فال

ول بدانم؛ و دریابم که پیروانش تا چه اندازه مانند خودش فکر می‌کنند، در سال 1983، در گشت مسافرتی به سرپرستی او به سرزمین قدس، نام نویسی کردم.

من یکی از 630 نفر مسیحی‌ای بودم، که از نیویورک به تل آویو پرواز کردیم. در آنجا ما را به گروه‌های حدود 50 نفری تقسیم کردند. به هر یک از گروه‌ها یک اتوبوس و یک راهنمای اسرائیلی اختصاص داده شده بود. ما پس از یک استراحت شبانه با اتوبوس‌ها یمان به راه افتادیم.

حالا در این سفر کوتاه، شما هم با من همراه شوید:

برای این که به دره مجدو برویم، از تل آویو حدود 55 مایل به طرف شمال سفر می‌کنیم. به محلی می‌رسیم که در 20 مایلی جنوب - جنوب شرقی حیفا، قرار دارد و فاصله آن از دریای مدیترانه، حدود 15 مایل است

پس از پیاده شدن از اتوبوس، با کلاید، یک مدیر اجرایی بازرگانی بازنشسته از مینیاپولیس، که سالهای آخر دهه 60 سالگی خود را می‌گذراند، همگام می‌شوم.

کلاید، فارغ التحصیل کالج است و در جنگ دوم جهانی، در ارتش آمریکا با درجه سروانی، در آفریقای شمالی و اروپا، خدمت کرده و به خاطر فرماندهی هوشمندانه سربازانش و شجاعت شخصی اش در زیر آتش دشمن به گرفتن نشان افتخار، مفتخر شده است. قدی دارد در حدود شش پا و هیكلی مناسب، که آن را نتیجه خدمتش در ارتش می‌داند.

همسر کلاید دو سال پیش در گذشته است و به همین جهت در این سفر تنهاست. سر و وضعش تمیز و مرتب است. با شلواری پشمی، پیراهنی سفید، کراوات مناسب و کت کشمیر؛ سری دارد پرمو که تنها بخشی از آن خاکستری شده است.

فاصله کوتاهی تا یک تل یا پشته کوچک، پیاده طی می‌کنیم. این تپه‌ای است مصنوعی، که از لایه‌های مختلف یا برجها مانده از گیاهان و جانوران و یا جامعه‌های باستانی کهن پوشیده شده است.

کلاید توضیح می‌دهد: «زمانی در اینجا یک شهر قدیمی کنعانی قرار داشته است» و اضافه می‌کند که ما در لبه جنوبی فضای بزرگ گسترده و هموار دشت اسدرالون (2) قرار داریم، که در کتاب مقدس «دره جزرال» هم گفته شده است.

در زمانهای قدیم مجدو شهر بسیار مهمی بود. این شهر در محل تقاطع دو جاده مهم استراتژیک نظامی و کاروان رو قرار داشت.

کلاید، این کهنه سرباز از تاریخ دان می‌گوید: «جاده ماریس، یعنی جاده باستانی ساحلی، که مصر را از راه مجدو، به دمشق و مشرق مربوط می‌ساخت، از این دره می‌گذشت.»

می‌گوییم: «پس با این توصیف، این محل همیشه میدان جنگ بوده است؟»

کلاید پاسخ می‌دهد: «بله، برخی از تاریخ نویسان اعتقاد دارند، که در اینجا بیش از هر جای دیگر در جهان، جنگ روی داده است. فاتحان کهن همیشه می‌گفتند، هر فرماندهی که مجدو را داشته باشد، در برابر همه مهاجمان پایداری می‌کند.»

«شما در صحیفه یوشع بن نون (باب 12، آیه 21)(3) می‌خوانید که چگونه یوشع و اسراییلیان، در اینجا کنعانیان را شکست دادند. و در «کتاب داوران» باب چهارم و پنجم می‌خوانید که دو قرن پس از آن نیروهای اسراییلی در زیر فرماندهی دبوره و باراق، در نبردی بر سیسرا سردار کنعانیان چیره شدند.(4)»

«و بعد چنانکه می‌دانیم، شاه سلیمان این شهر را مستحکم ساخت و به مرکزی برای اسبها و ارابه هایش بدل کرد.

حتی در طی سالهای عمر من هم در اینجا نبردهای مهمی داشته‌ایم. نزدیک به پایان نخستین جنگ جهانی، در سال 1918، ژنرال انگلیسی آلن بی، درست در همین جا در مجدو، به پیروزی قاطعی بر ترکها دست یافت.»

همه عضوهای گروه ما، به پیاده روی خود تا یک نقطه مناسب ادامه می‌دهیم و سپس در نقطه‌ای که بر همه دره جزدال که به سوی شمال غربی تا دوردست اشراف دارد، غرق تماشا می‌شویم.

کلاید با صدای هیجان زده‌ای می‌گوید: «و سرانجام، حالا دارم میدان آخرین نبرد بزرگ را تماشا می‌کنم!»

می‌پرسم: اما آخر شما از کجا می‌دانید که نبرد نهایی در اینجا روی خواهد داد؟

- «شما همین اسم - یعنی مجدو - را بگیرید، کلمه عبری هار، یعنی کوه را به آن اضافه کنید. این دو کلمه به شما هارمجدو را می‌دهد، که ما هارمجدون ترجمه می‌کنیم.»

در حالی که او صحبت می‌کند، من می‌کوشم استدلال او را، با جستجوی هار یا کوه دنبال کنم؛ اما کوهی پیدا نمی‌کنم. با وجود این، چون دره روبروی خودمان را می‌توانیم ببینیم، پس نقطه مناسبی که روی آن ایستاده‌ایم، باسانی می‌تواند هار (کوه) تلقی بشود. اما با همه اینها، آیا هارمجدو - که کلمه کلمه به معنی کوه مجدو است - به یک محل دلالت می‌کند یا یک رویداد؟

کلاید، کمی با بی حوصلگی پاسخ می‌دهد: «نه، نه، این میدان نبردی است که همه ملت‌ها در آن درگیر می‌شوند. این آخرین نبرد میان نیروهای نیکی و نیکوکاری به رهبری مسیح و نیروهای شیطانی به رهبری دجال خواهد بود.»

من، مانند میلیون‌ها مردم دیگر، سخن کلاید را باور می‌کنم. من همیشه چیزهایی درباره هارمجدون شنیده بودم، اما با همه شنیدن‌های این واژه اشتقاق آن را نمی‌دانستم. پرسیدم که آیا درباره این واژه هارمجدون مطالب زیادی خوانده‌اید؟

- «می‌دانید، واژه هارمجدون تنها یک بار در انجیل آمده است؛ یعنی درست همان که در کتاب مکاشفه یوحنا باب شانزدهم، آیه 16 آمده است؛ و سپس این آیه مختصر را نقل می‌کند:

«و ایشان را به موضعی که آن را در عبرانی هارمجدون می‌خوانند، فراهم آوردند.»

از آن جا که این واژه در زندگی ما نقش چنین با اهمیتی دارد، امیدوارم بتوانم اشتقاق آن را پیدا کنم، من آنچه را که کلاید گفت تکرار می‌کنم: در کتاب عهد عتیق، هیچ ذکری از این واژه نشده است. در کتاب عهد جدید هم تنها یک مورد، یعنی در باب مکاشفه که گاهی مکاشفات، یا مکاشفه یوحنا قدیس هم گفته می‌شود، آمده است. اما من هنوز سردرگم هستم، در حالی که در مکاشفه، از «محلّی» به نام هارمجدون صحبت می‌کند، کلاید اصرار دارد که هارمجدون معنی یک نبرد را می‌رساند.

کلاید می‌گوید: «یوحنا پیش گو کتاب مکاشفه را نوشته است؛ و چنانکه می‌دانیم ما از همین اثر یوحنا است که بیشترین اطلاعات خودمان را از آخرین روزهایی که داریم می‌گذرانیم، به دست می‌آوریم. او تصویر کاملی از آخرین نبردی که باید درست در همین محل صورت بگیرد، به دست داده است. به یاد دارید که او در پیشگویی خود از این نبرد بزرگ، می‌نویسد(5):

«و بلدان امته‌ها خراب شد... و هر جزیره گریخت و کوهها نایاب گشت.» و بعد می‌افزاید:

«خداوند همه چیز را درباره آینده می‌داند. هیچ چیز را از او گریزی نیست. خداوند از همان آغاز می‌داند، چه کسی به هاویه خواهد رفت و چه کسی دقیقاً نخواهد رفت. هنگامی که خداوند قانون را نازل کرد، دقیقاً می‌دانست کدام انسان قادر به رعایت آن نخواهد بود.»

من به خودم جرات داده می‌پرسم: «خداوند از پیش می‌داند؟ و از پیش مقرر کرده است؟»

- «شما باید به خاطر داشته باشید که این از پیش دانستن، تعیین کننده همه چیز نیست. اما آنچه که خداوند می‌داند، فراتر از هر حدس و گمانی است. آنچه خداوند می‌داند، با یقین کامل صددرصد می‌داند؛ و او همه چیز را می‌داند.

«در کتاب مکاشفه، خداوند با بکار گرفتن یوحنا، توصیف کاملی از آنچه که این جنگ آخرالزمان خواهد بود، به ما می‌دهد»

و ادامه می‌دهد: «یک ارتش 200 میلیونی شرقی در طی یک سال به سمت غرب به حرکت درمی‌آید. این ارتش به حرکت درمی‌آید و در تغییر مکان خود پرجمعیت‌ترین ناحیه‌های جهان را پیش از رسیدن به رودخانه فرات، ویران خواهد ساخت.»

«باب 16 مکاشفه به ما می‌گوید که رودخانه فرات خشک خواهد شد، و این به پادشاهان مشرق زمین، مشرقیان، اجازه خواهد داد که سرزمین اسرائیل را درنوردند.» (6)

- تکرار کردم: پادشاه مشرق زمین؟ و ذهن من به سوی سرزمینهای جهان که در مشرق رود فرات قرار دارند، به پرواز درمی‌آید. هیچ پادشاهی که امروز در آن ناحیه حکمروایی داشته باشد به ذهنم خطور نمی‌کند. در زمان ما، شاه ایران آخرین پادشاه مشرق رود فرات بود. امروز دیگر هیچ شاهی در آنجا نیست، اما در زمان یوحنا چنین شاهانی وجود داشتند - پس گفتم آیا این نمایانگر آن نیست که یوحنا این سخنان را درباره زمان خودش گفته است، و نه زمان ما؟

کلاید گفت: «نه، نه، شما می‌توانید پادشاهان را به معنی رهبران یا سران دولتها بگیرید.»

کلاید که در همه جا طرفدار جدی تعبیر کلمه به کلمه کتاب مقدس است، در این مورد، خود کلمه کتاب مقدس را قبول ندارد.

حرف او را قطع نمی‌کنم و او به نقل خود ادامه می‌دهد: «این پادشاهان - یا رهبران - تمامی ربع مسکون، بزرگترین ارتش تاریخ جهان را درست به اینجا، به مجدو می‌آورند.» با چشمان فراخ شده سخن می‌گوید و چهره‌اش وقتی از فرشته‌ای حرف می‌زند که پیاله خود را بر نهر عظیم فرات ریخت و آبش خشکید تا راه ارتش بزرگ پادشاهانی که از مشرق آفتاب می‌آیند از بستر آن باز بشود، برق و درخشندگی ناشی از پیش بینی به خود می‌گیرد.

اما وقتی سازمان دادن یک ارتش خوب، ارتشی بسیار کوچکتر از همه ارتش‌های مشرق زمین، تا این اندازه دشوار باشد، چگونه یک رهبر، یا گروهی از رهبران می‌توانند موفق به بسیج کردن یک ارتش 200 میلیون نفری بشوند؟

کلاید می‌گوید: «خوب، روشن است، این رهبران هدف‌های ژئوپلیتیک دارند، و ارواح شیطانی آنان را به پیش می‌رانند.»

پرسیدم: ارواح شیطانی؟

- «در این مورد، اینها همان ارواح شیطانی فرشتگان به خاک افتاده‌ای هستند، که از شیطان در عصیان در برابر خداوند، پشتیبانی کردند. پس از اینکه این ارواح شیطانی بر ذهن رهبران جهان مسلط شدند، این رهبران و ارتش‌های جهان،

به نظرم همه چیز دارد بخوبی جفت و جور می‌شود. برای اینکه مطمئن شوم که همه چیز را به درستی فهمیده‌ام، گفتم: آیا این دجال است که این ارواح شیطانی را در ذهن رهبران جهان جای می‌دهد؟ و کلاید تصدیق کرد.

کلاید علاوه بر ارواح شیطانی، از «وحش» مکاشفه یوحنا هم صحبت کرد و توضیح داد که: «وحش، یعنی اینکه اتحاد نیرومندی از ملت‌های اروپایی و گروهی از ملت‌ها که در آخرین روزها به پا خواهند خاست، به وجود خواهد آمد. حالا ما می‌دانیم که داریم در عهد آخرالزمان زندگی می‌کنیم. زیرا پیدایش اتحاد نیرومند ملت‌های اروپایی را دیده‌ایم - و این همان چیزی است که ما جامعه اقتصادی اروپا یا بازار مشترک می‌نامیم. با مطالعه این پیش‌گویی، ما می‌توانیم به چشم ببینیم که خداوند همه این رویدادها را از پیش خبر داده است. (7)

«همه آنچه که روی دادنش را در جهان امروز می‌خوانیم، به روشنی نشانگر این است که این پیش‌گویی به زودی روی خواهد داد.

و در این نبرد آخرالزمان - که با مطالعه زکریای نبی و همین مکاشفه از آن آگاه می‌شویم - نیروهای ملت‌های سرتاسر زمین در زیر فرمان دجال، بر ضد خداوند ما عیسی مسیح و قدیسان پرافتخارش خواهند جنگید و چنان که می‌دانیم، مسیح، در این خونین‌ترین نبرد تاریخ، آن میلیون‌ها را از میان خواهند برد و دجال را به قتل خواهد رسانید.»

کلاید برای اینکه نکته‌اش را اثبات کند، آیه هشتم از باب دوم تسالونیکیان (کتاب عهد جدید) را از بر خواند:

«آن‌گاه آن بی‌دین - که کلاید اضافه می‌کند، منظور از بی‌دین همان دجال است - ظاهر خواهد شد، که عیسی خداوند، او را به نفس دهان خود هلاک خواهد کرد و به تجلی ظهور خویش او را نابود خواهد ساخت.»

من برای کلاید تفسیر کردم که، احتمال ندارد مسیحیان، جز در مورد بهشت و جهنم، این اندازه اندیشه و کلام را به هارمجدون اختصاص داده باشند.

هنگامی که کلاید و من، گرم گفتگو هستیم، دیگر کسان گروه ما، با نشستن بر روی سنگها یا علفها، غرق اندیشه درباره این دره دارای مزرعه‌های گندم و جو و باغهای میوه شده‌اند. در حالی که این دره تا این اندازه ساکت و آرام تا این اندازه صلح‌آمیز به نظر می‌رسد، رفتار و گفتار کلاید نشانگر آن است که زیر و رو شدن همه جهان در یک انفجار بزرگ، ناگزیر به نظر می‌رسد. او از جزئیات توصیف خودش درباره این آتش سوزی بزرگ، سخت مطمئن به نظر می‌رسد.

با این همه، این جنگ قرار است که در همین میدان برابر ما روی دهد - دره‌ای که چنان کوچک است، که در یک مزرعه نیراسکا جای می‌گیرد؛ و اگر در یک ایلخی پرورش گاو تگزاس قرار داشته باشد، در آن گم می‌شود. در حالی که

به سوی این دره کوچک آرام پوشیده از مزرعه‌های با سنگچین از هم جدا شده اشاره می‌کردم، به کلاید گفتم که اینجا، برای یک چنین جنگ عظیمی، بیش از اندازه کوچک به نظر می‌رسد.

خیلی جدی گفت: «نه، تانکهای خیلی زیادی را می‌توان در اینجا جای داد.»

تکرار کردم، تانکها، و همه ارتشهای روی زمین؟

- «بله، همه این‌ها را. اما باید به خاطر داشته باشید که این بزرگترین نبردی خواهد بود که تاکنون روی داده است. چندین میلیون نفر، همین‌جا خواهند مرد.»

پرسیدم: «و یک جنگ هسته‌ای همین‌جا، در مجدّو شروع خواهد شد و همه دنیا را ویران خواهد کرد؟»

پاسخ داد: «بله، شما این را در باب سی و هشتم و سی و نهم صحیفه حزقیال نبی می‌خوانید. در این دو باب یک جنگ هسته‌ای توصیف شده است. سپس می‌گوید: «باران‌های سیل‌آسا و تگرگ سخت آتش و گوگرد، تکان‌های سختی در زمین پدید خواهند آورد، کوه‌ها سرنگون خواهد شد و صخره‌ها خواهد افتاد و جمیع حصارهای زمین منهدم خواهد گردید، رویارو «در برابر هر گونه وحشت» (8) امکان ندارد که حزقیال نبی، به چیز دیگری جز مبادله سلاح‌های تاکتیکی هسته‌ای، اشاره کرده باشد.»

اطمینان و یقین کلاید، احساس واقع‌بینی مرا متزلزل می‌سازد. با این حال می‌دانم، او چیزی را می‌گوید، که میلیون‌ها آمریکایی، دقیقاً به آن باور دارند.

- پرسیدم: «آیا تصور کلاید از مسیح، شبیه یک ژنرال پنج ستاره‌ای است که ارتش‌ها را رهبری می‌کند؟ و آیا کلام کتاب مقدس را چنان تعبیر می‌کند که مسیح به عنوان سر فرمانده آن، نیروهایی را که بر ضد او متحد شده‌اند، با به کار بردن سلاح‌های هسته‌ای، نابود خواهد کرد؟»

- پاسخ داد: «بله، در واقع می‌توانیم انتظار داشته باشیم که مسیح، ضربه نخست را وارد کند. او، سلاح نوینی را برای نخستین بار، به کار خواهد برد. و این سلاح، همان اثرهایی را خواهد داشت، که بر اثر یک بمب نوترونی ایجاد می‌شود. شما می‌توانید این مطلب را در آیه دوازدهم باب چهاردهم کتاب زکریای نبی بخوانید، که می‌گوید:

- «گوشت ایشان در حالتی که بر پایهای خود ایستاده‌اند، کاهیده خواهد شد و چشمانشان در حدقه گذاخته خواهد گردید، و زبان ایشان در دهانشان کاهیده خواهد گشت.»

می‌پرسم، منظور حرف کلاید این است که آیا خود مسیح ضربه نخست را خواهد زد؟ کلاید پیش از دادن پاسخ همه قدش پای خود را روی پاهایش راست می‌کند و با صدای قوی و سخت صمیمی خود می‌گوید:

«بله، عیسی مسیح به این زمین باز می‌گردد، تا حکومت الهی را در آن برقرار سازد؛ و این کار را از ستاد خود در اورشلیم، خواهد کرد.»

- و بر سر یهودیانی که در اسرائیل زندگی می‌کنند، چه خواهد آمد؟

کلاید گفت: «دو سوم یهودیانی که در اینجا زندگی می‌کنند، کشته خواهند شد. این مطلب را می‌توانید در آیه‌های هشتم و نهم باب سیزدهم کتاب زکریای نبی بخوانید. (9) امروز در حدود 13 میلیون و نیم یهودی در جهان هستند. به این ترتیب، خداوند به ما می‌گوید که 9 میلیون یهودی در این نبرد، کشته خواهند شد - یعنی بیش از همه یهودیانی که توسط نازی‌ها کشته شدند. آن قدر خون جاری خواهد شد که خداوند آن را به چرخش شراب‌گیری، که خون آنان را می‌گیرد، تشبیه می‌کند. تا مسافت 200 مایل، خون تا به دهانه اسبان، بالا خواهد آمد.»

پرسیدم، چرا کلاید تصور می‌کند که خداوند خواستار آن باشد، که یک رشته از عقوبت‌ها را نازل گرداند تا بیشتر مردمان جهان را بکشد و بخش اعظم تمدن ما را نابود کند؟

کلاید گفت: «خداوند، این کار را بیشتر به خاطر امت قدیمی‌اش، یهودیان می‌کند، خداوند دوران هفت ساله آزمایش سخت را مقرر کرده است، تا یهودیان تصفیه شوند، تا وادارشان سازد، روشنایی را ببینند و مسیح را به عنوان نجات دهنده خود بشناسند.»

اعتراف می‌کنم که تعبیرهای او، مرا سخت گرفتار شبهه کرده است. چرا خداوند باید یهودیان را، یعنی برگزیده‌ترین در میان همه امتها را برگزیده باشد، تنها برای اینکه - بنا بر واژه همراه با حسن تعبیر کلاید - «آنان را تصفیه» کند؟

- «آیا نمی‌بینید که خداوند می‌خواهد آنان در برابر تنها پسرش، خداوندگار ما عیسی مسیح به سجده درآیند؟»

سپس کلاید توضیح می‌دهد که خداوند پس از نابود کردن دو سوم این امت، سرزمین اسرائیل را نجات خواهد داد. یعنی اینکه خود شخصا وارد نبرد هارمجدون خواهد شد. و خداوند همه آن چیزهایی را که برای نابودی کسانی که مصمم به آزادی اسرائیل هستند، نیازمند است؛ در اختیار دارد.»

در ذهن من این نکته شروع به جا افتادن می‌کند که کلاید اسرائیل را دوست دارد، اما علاقه‌ای به یهودیان ندارد. به نظر می‌رسد که هیچ احساس تاسفی برای آن یهودیان یا دیگرانی که می‌گوید کشته می‌شوند، در او نیست.

«هفت ماه طول خواهد کشید تا یهودیان زنده اسرائیل بتوانند همه سربازان کشته شده را دفن کنند» و به عنوان دلیل، آیه دوازدهم باب سی و نهم کتاب حزقیال نبی را نقل می‌کند: «و خاندان اسرائیل مدت هفت ماه ایشان را دفن خواهند کرد تا زمین از وجودشان پاک گردد.» (10)

با پذیرش احتمال خطر تکرار سختم، دوباره پرسیدم، چرا خداوند رحمان باید بخواهد که ما سلاح های هسته‌ای به کار ببریم؟

پاسخ داد: «به خاطر داشته باشید، انسان دانش خود را و چگونگی ایجاد کردن این قدرت ویرانگر را، از خداوند کسب کرده است. انرژی هسته‌ای، برای خداوند چیز تازه‌ای نیست؛ و تهدید یک همه سوزی هسته‌ای، قادر متعال را غافل گیر نخواهد کرد. خداوند در همه اوقات می‌داند چند ماهی در دریاها و چند ستاره در آسمانها و چند دانه شن در ساحلهای دریاها وجود دارد. او خداوند عالم و قادر متعال است. آنچه که او بخواهد، خواهد شد. هیچ انسان، یا امتی نمی‌تواند از تحقق اراده خداوندی جلوگیری کند.»

و کلاید با لبخندی مرموز با این سخنان، حرف خود را به پایان برد: «هنگامی که مسیح دوباره به زمین بازگردد، از آسمانها به ارض اورشلیم نزول خواهد کرد. ملاحظه کنید، همه تاریخ مربوط و متمرکز است بر امت اسرائیل که تخم چشم و برگزیده خداوند دوباره زمان تاریخ بشر را به دست خود می‌گیرد.»

پایان نزدیک است

در طی گشت در سرزمین مقدس، من سخنان کلاید را روی نوار ضبط صوت ضبط کردم؛ و وقتی بعدها به آن گوش دادم، آن را بسیار همانند سخنان جری فال ول و بسیاری از کشیشان معتبر انجیلی پروتستان تلویزیونی دیدم که می‌گویند: بی هیچ نرمشی از پیش چنین مقرر کرده است؛ و بنا به سخن کلاید، خداوند زمام تاریخ بشر را خود به دست می‌گیرد.

پس از بازگشتم از سفر کوتاه 1983، به تحقیق پرداختم، دیگر کشیشان پروتستان انجیلی بنیادگرا در موضوع هارمجدون، چه می‌گویند. در سال 1970، بیلی گراهام هشدار داد که: «جهان اکنون به سرعت دارد به سوی جنگ آخرالزمان هارمجدون خود نزدیک می‌شود» و «نسل کنونی جوان ما، شاید آخرین نسل در تاریخ باشد».

گراهام در فرصت دیگری گفت: «اکنون بسیاری از مردم می‌پرسند. این آخرین جنگ آخرالزمان در کجاست؟ ما چه اندازه به آن نزدیکیم؟ خوب، محل این جنگ در غرب رودخانه اردن است، در دشت جزرال، میان جلیله و سامریه. ناپلئون وقتی این جایگاه سترگ را دید، گفت: «این میدان بزرگترین نبرد جهان است»، زیرا که انجیل به ما آموزش می‌دهد که جنگ بزرگ آخرالزمان، این بزرگترین جنگ تاریخ؛ در این بخش جهان روی خواهد داد: یعنی در خاورمیانه!»

س.س. کریب، رییس پیشین انجمن کشیشان پروتستان انجیلی، در سال 1977 نوشت: «شاه مسیح، میلیونها نظامی گرد آمده توسط دیکتاتور شیطان صفت، دجال را، به سختی تار و مار خواهد ساخت.»

هال لیندسی، نویسنده یک کتاب پرفروش، همه تاریخ را - یعنی تاریخ خاورمیانه و همه جهان را - به کمک قرائت کتاب مقدس تعبیر می‌کند. او در کتاب خود به نام «زمین، سیاره بزرگ مرحوم» می‌گوید: دولت اسرائیل، خط مرزی میان رویدادهای عمده کنونی و آینده است.

لیندسی می‌گوید: «پیش از این که یهودیان، تشکیل یک ملت بدهند، هیچ چیز درست سر جایش نبود. تنها حالا که این اتفاق افتاده است، تحقق همه گونه علایم پیشگویی‌های نبوی، دارد سر جای خودش قرار می‌گیرد. زیرا که برخی فضاهای قدرت سیاسی بایستی نخست پدید می‌آید، و اکنون بنابر الگوی پیشگویی‌های نبوی، کانون همه جهان در خاورمیانه، و بویژه، در سرزمین اسرائیل امروزی متمرکز شده است. همه ملت‌های جهان، بر اثر آنچه که در آن جا می‌گذرد، به رنج و عذاب خواهند افتاد؛ و در آن درگیر خواهند شد. حالا می‌توانیم ببینیم چگونه آنچه که در این زمان‌ها روی می‌دهد، مانند همین اتفاقهایی که روزنامه‌ها می‌نویسند، درست، با الگوی پیشگویی‌های نبوی جور درمی‌آید.

ناخدای پیشین یک قایق رودخانه‌ای که تولد دوباره یافته است و طلبه سمینارهای مذهبی لیندسی شده، چهار سرانجام را برای مرحوم سیاره بزرگ زمین پیشگویی کرده است، که همگی در بردارنده پیشگویی‌های نبوی کتاب مقدس هستند؛ و در همه آنها اسرائیل نقش اساسی را ایفا می‌کند.

من لیندسی را در سال 1985، در یک گردهمایی دعای صبحانه برای اسرائیل، ملاقات کردم. او به عنوان ناظر و کارپرداز تحقق پیشگویی‌های نبوی، نسبت به بسیاری از پیشینیان، و حتی رقیبان خود، برتری در خور ملاحظه‌ای دارد. او از زمره واعظان سنتی بر حذر دارنده از آتش دوزخ و لعنت ابدی نیست. لیندسی با صدای کم و آرام و قیافه‌ای روشنفکرنا، آدمی است، تقریباً پنجاه ساله، با سری پر از موها و سبیل‌های تیره. وی در شگرد جا زدن خود به عنوان کارشناس رویدادهای تاریخ عمومی جهان، به استادی رسیده است. ظاهر آدمی دل سوز و در غم دیگران و علاقمند به آنان را دارد. او، در محفل‌های وعظ و خطابه، و حوزه‌های مذهبی - که در آنها مدت هشت سال به عنوان عضو هیات علمی «جنگ صلیبی دانشجویان در راه مسیح» کار کرده است - به عنوان سخنران و مبلغ شناخته شده پیشگویی‌های مکاشفیه‌ی انبیا، محبوبیت دارد.

لیندسی در برداشت خود از کتاب مکاشفات، به گفته خودش «روش استقرایی و استنباطی» دارد. او می‌کوشد آنچه را که خداوند، از خلال دانش فنی و مجموعه واژگان محدود یوحنا رسول می‌خواهد بگوید؛ استنباط و نتیجه‌گیری کند. به عنوان مثال، یوحنا رسول، در مکاشفه یا رویای خود، ملخ‌هایی را با دم عقرب دیده بود. لیندسی حدس می‌زند که اینها هلی کوپترهای کبرا هستند، که از دم خودشان، یک نوع گاز فلج کننده اعصاب پخش می‌کنند. (11)

لیندسی با قطعیت اظهار می‌کند: نسلی که از 1948 به این سو به دنیا آمده است، شاهد عینی دومین ظهور مسیح خواهد بود.

اما پیش از آن رویداد، ما باید هم جنگ «یاجوج و ماجوج» را ببینیم و هم نبرد هارمجدون را. کشتار همه سوزی بدین گونه آغاز خواهد شد: همه عرب ها به اضافه کنفدراسیون روسیه، به اسرائیل هجوم خواهند برد.

او در کتاب «دنیای نوینی دارد فرا می‌رسد» می‌نویسد: «فکرش را بکنید، دست کم 200 میلیون سرباز از مشرق زمین، با میلیون ها سرباز بیشتر از مغرب زمین، در زیر رهبری دجال امپراطوری نوزاده روم (یعنی اروپای غربی)!

«عیسی مسیح، نخست، کسانی را که شهر او، اورشلیم را غارت کرده‌اند، تار و مار خواهد کرد؛ سپس ارتش هایی را که در دره مجدو یا هارمجدون جمع شده‌اند، به هلاکت خواهد رسانید. تعجبی ندارد اگر تا فاصله 200 مایلی اورشلیم، خون تا دهنه اسبان بایستد ... همه این دره با آلات و وسایل جنگی، حیوانات و جسد های آدمیان، و با خون، پر خواهد شد!»

لیندسی می‌نویسد: «باور نکردنی می‌نماید! ذهن آدمی، حتی نمی‌تواند رفتار ضد بشری انسان با انسان را تصور بکند. با این حال، خداوند اجازه می‌دهد که انسان در آن روز، ماهیت خود را به تمامی به نمایش بگذارد.

با خواندن کتاب لیندسی، من هیچ نشانی از روح اوگوستین قدیس در کتاب «شهر خدا» را نمی‌یابم. وقتی او اعلام می‌کند که همه شهرهای جهان در جنگ هسته‌ای آخرالزمان ویران خواهند شد، کوچکترین اثری از اندوه، در او دیده نمی‌شود: «تصورش را بکنید، شهرهایی مانند لندن، پاریس، توکیو، نیویورک، لوس آنجلس و شیکاگو با خاک یکسان شده باشند!»

تنها نیروهای مشرق زمین یک سوم جمعیت جهان را نابود خواهند کرد. لیندسی می‌نویسد: «مسیح زمین را ویران خواهد کرد و مردمانش را خواهد سوزاند. هنگامی که «جنگ بزرگ آخرالزمان» به چنان نقطه اوجی رسید که تقریباً تمام آدمیان کشته شدند، «عظیم‌ترین لحظه» فرا می‌رسد - و مسیح با نجات دادن مومنان باقی مانده، نوع بشر را از نابودی کامل نجات خواهد داد. در این ساعت، آن یهودیانی که کشتار نشده باشند، به دین مسیح خواهند گروید.

لیندسی می‌گوید، پس از نبرد هارمجدون، تنها 144000 یهودی زنده خواهند ماند؛ و همه آنان چه مرد، چه زن و چه کودک، در برابر مسیح سجده خواهند کرد و به عنوان مسیحیان نوآیین، همگی خود به تبلیغ کلام مسیح خواهند پرداخت. و چنین به وجد درمی‌آید: «تصورش را بکنید! اینها شبیه 144000 بیلی گراهام یهودی خواهند شد، که همگی با هم شروع به تبلیغ کنند!»

جری فال ول، موضوع هارمجدون را تقریباً به هر موضوع دیگر ترجیح می‌دهد. او در موعظه دوم دسامبر 1984 خود، وعظ خود را با قرائت آیه شانزدهم باب شانزدهم مکاشفات آغاز کرد - که نخستین و تنها مورد ذکر هارمجدون را در کتاب مقدس به دست می‌دهد (12) - پس از ذکر این آیه اعلام کرد:

«این سخن در قلب مردم ترس می‌پراکند! آخرین بار نبردی پیش می‌آید، سپس خداوند همه کیهان را در اختیار خود می‌گیرد. کتاب مقدس در بابهای 21 و 22 مکاشفات، به ما می‌گوید، خداوند این زمین را - یعنی آسمانها و زمین را -

ویران خواهد کرد. و پطرس قدیس در نوشته‌های خود می‌گوید که آن ویرانی، با یک حرارت بسیار سوزان، یا انفجار بس نیرومند همراه خواهد بود»

فال ول در «همه سوزی در هارمجدون» ادامه می‌دهد که «دجال، وارد خاورمیانه می‌شود، و هیکل (تندیس) خود را در معبد یهودی، یعنی مقدس‌ترین معبدهای مقدس، نصب می‌کند و تقاضا می‌کند که همه جهان آن را به جای خداوند بپرستند.

میلیون‌ها یهودی دیندار در این مرحله کشته خواهند شد (آیه هشتم از باب سیزدهم کتاب زکریای نبی (13))، اما باقیمانندگان نجات خواهند یافت (آیه نهم از باب سیزدهم کتاب زکریای نبی)؛ و خداوند، به گونه خارق‌العاده‌ای آنان را در طی مدت سه سال و نیم آخر دوران آزمایش سخت، از خود پنهان خواهد ساخت. برخی خود را در شهر پترا (واقع در کشور اردن) که دارای سنگهای سرخ است تصور خواهند کرد. من نمی‌دانم چگونه، اما خداوند آنان را حفظ خواهد کرد؛ زیرا که یهودیان امت برگزیده خداوند هستند.»

فال ول با نقل آیه یازدهم باب دوازدهم کتاب زکریای نبی (14)، و آیه شانزدهم باب شانزدهم کتاب مکاشفه یوحنا نبی و همچنین آیه‌های سی و پنجم و سی و ششم باب سی و چهارم و آیه نخست همین باب سی و ششم از صحیفه اشعیای نبی (15) می‌گوید:

«میدان نبرد هارمجدون از مجدو در شمال تا ادوم در جنوب، فاصله‌ای در حدود 200 مایل کشیده شده است. این میدان از دریای مدیترانه در غرب تا تپه‌های موآب در شرق، خواهد بود؛ یعنی فاصله‌ی حدود 100 مایل و شامل وادی یهوشافاط هم می‌شود. آیه دوم و همچنین دوازدهم باب سوم صحیفه یوییل نبی (16) را بخوانید. و مرکز همه این ناحیه بنا بر آیه‌های 1 و 2 باب چهاردهم کتاب زکریایی نبی (17) - شهر اورشلیم و وادی جزرال، خواهد بود.

«در این وادی چندین میلیون مردم به هارمجدون درمی‌آیند که شمار آنان بی‌گمان نزدیک به 400 میلیون نفر خواهد بود. اینان برای آخرین همه سوزی بشریت جمع خواهند شد و یوییل نبی در آیه 14 باب سوم کتاب خود می‌گوید، شاهان با ارتش‌های خود، از شمال و جنوب و شرق و غرب خواهند آمد. این وادی، در برجسته‌ترین مفهوم آن، وادی تصمیم درباره بشریت خواهد بود، که چنانکه در مکاشفه یوحنا رسول اشارت شده است (آیه 15 باب نوزدهم) (18)، چرخش خمر غضب و خشم خدای قادر مطلق، در آن ریخته خواهد شد.

«چرا این ارتش‌ها در آنجا خواهند جنگید؟ چرا دجال ارتش‌های همه جهان را بر ضد خداوند عیسی مسیح رهبری خواهد کرد؟ در درجه نخست از این رو که او، از سلطنت خداوند نفرت دارد. نبرد، همیشه نبرد شیطان بر ضد مسیح بوده است. این یک دلیل. این امت‌ها به علت فریب شیطان خواهند آمد. سوم، به علت نفرت این امت‌ها نسبت به خداوند عیسی مسیح. برخی معجزات در طی این نبرد ظاهر خواهد شد. نهر عظیم فرات خشک خواهد شد (مکاشفه یوحنا رسول، آیه 12 باب 16) (19)، و ویرانی اورشلیم حادث خواهد گردید.»

فال ول باز با نقل مکاشفه یوحنا ی رسول، به سخن خود ادامه می‌دهد: «تمامی مرغانی که در آسمان پرواز می‌کنند، به جهت ضیافت عظیم خدا فراهم می‌شوند، تا بخورند گوشت پادشاهان و گوشت سپه سالاران و گوشت جباران و گوشت اسبها و سواران آنها و گوشت همگان را، چه آزاد، چه غلام، چه صغیر و چه کبیر».

فال ول ادامه می‌دهد: «یوحنا در مکاشفه خود وحش را دید.» و پادشاهان زمین را و لشکرهای ایشان را که جمع شده بودند، تا با خداوند عیسی مسیح و لشکر او جنگ کنند. در رویای یوحنا مردی هست که بر اسب سفیدی سوار است. هنگامی که جنگ هارمجدون به پایان رسید و میلیون‌ها نفر به خاک هلاک افتادند، خداوند عیسی مسیح، وحش و نبی کاذب (دجال) را زنده به دریاچه آتش افروخته شده به کبریت خواهد انداخت» و عیسی مسیح، همه دشمنان دیگرش را که به گونه‌ای در هارمجدون زنده مانده‌اند، هلاک خواهد کرد.

فال ول تصویر وحشتناکی از پایان جهان تصویر کرده است. اما به نظر نمی‌رسد که از آن هیچ غم و اندوهی و حتی نگرانی، داشته باشد. در واقع او وعظ خودش را با لبخند بزرگی به پهنای صورتش و گفتن این جمله، به پایان برد:

«هی، چه عظمتی دارد مسیحی بودن! ما آینده‌ای بس عالی در پیش رو داریم.»

پس از گوش دادن به این موعظه، من نوار «دکتر جری فال ول، پیشگویی‌های کتاب مقدس را تعلیم می‌دهد» را، که توسط «ساعت جزوی از کتاب مقدس کهن» در سال 1979 منتشر شده بود، گذاشتم. فال ول در این نوار می‌گوید:

«چنانکه می‌بینید، هارمجدون واقعیت است، واقعیتی وحشتناک اما شکر خدا، این پایان روزگار امت‌های جز یهودی و جز مسیحی است. زیرا که پس از آن، صحنه برای سلطنت پادشاه ما، خداوندگار عیسی مسیح، در نهایت قدرت و افتخار آماده می‌شود.»

تقریباً تمام تعلیم دهندگان کتاب مقدس که من می‌شناسم، بازگشت بسیار نزدیک مسیح را پیش بینی می‌کنند. و من مشخصاً ایمان دارم که ما بخشی از آن نسل آخرین هستیم. آن واپسین نسلی که تا سلطان ما مسیح نیاید، نخواهد مرد.»

«در همین آخرها، پیش آمدهایی در روسیه اتفاق افتاده‌اند که توسط حزقیال نبی، پیشگویی شده بود و بر ظهور مجدد نزدیک خداوندگار دلالت می‌کند. این کمونیست‌ها بی‌خدا هستند، آنها مسیح را انکار می‌کنند و هدف نهایی شان، تسخیر جهان است. حدود 26 قرن پیش، حزقیال، نبی یهودی، پیشگویی کرده است که چنین امتی، درست پیش از دومین ظهور مجدد مسیح، از شمال فلسطین قیام خواهد کرد.»

«در باب‌های 38 و 39 کتاب حزقیال نبی، ما می‌خوانیم که نام این سرزمین «روش» خواهد بود. و این در آیه 2 باب 38، ترجمه رسمی آمریکایی «روش» است: ر-و-ش. او، (یعنی حزقیال نبی) در ادامه پیش‌گویی‌های خود، نام دو تا از شهرهای روش را می‌برد. این دو ماشک و توپال هستند. همه اینها در آیه دوم آمده است. این دو نام، به نحو عجیبی شبیه مسکو و توبولسک یعنی دو پایتخت حکومتی روسیه امروزی هستند.»

«حزقیال همچنین نوشته است که آن سرزمین ضد خدا است - یعنی در آیه 3، و بنابراین، خداوند ضد آن سرزمین است. و باز او - در آیه 8 - می‌گوید: که روسیه یا «روش» در آخرین روزها، به اسرائیل هجوم خواهد برد. بعد او - در آیه‌های 5 و 6 می‌گوید: در این هجوم، متحدان مختلفی، متفق روش خواهند بود. (20)

«او، این متفقین را نام می‌برد: ایران (که ما در گذشته پارس می‌نامیدیم) جنوب آفریقا یا اتیوپی [!] شمال آفریقا یا لیبی، اروپای شرقی (که در اینجا در باب 38 جومر نامیده شده است)، و قزاق‌های جنوب روسیه، که در این باب توجرمه نامیده شده‌اند. در آیه 15 باب 38 کتاب حزقیال نبی، این نبی نقش عمده اسبان را در این هجوم توصیف کرده است. (21)

«البته قزاقها، همیشه بیشترین و بهترین خیل اسبان را در تاریخ داشته‌اند. حزقیال (در آیه 12 باب 38 می‌گوید: «هدف از این هجوم، تاراج نمودن و بردن غنیمت (22) است. اما؛ اگر کسی دو حرف نخست واژه 23) spoil را بردارد، فوری می‌فهمد که روسیه در حقیقت دنبال نفت (oil) است. و این درست همان جا است که ما امروز در آن قرار داریم. بنابراین، این است نبوت حزقیال درباره روسیه.»

«به رغم انتظارهای خوشبینانه و سخت دور از واقع بینی دولت ما (درباره قراردادهای کمپ دیوید در میان اسرائیل و مصر)، این قرارداد، پیمان پایداری نخواهد بود. ما از صمیم قلب برای صلح در اورشلیم دعا می‌کنیم. ما به یقین بالاترین احترام‌ها را برای نخست وزیر اسرائیل و ریاست جمهوری مصر قایل هستیم. این دو، مردان بزرگی هستند و در این هیچ تردیدی نیست. اینان به یقین صلح می‌خواهند. من به این حرف ایمان دارم. اما هم شما و هم من می‌دانیم، تا روزی که خداوندگار ما عیسی مسیح، بر روی تخت داوود در اورشلیم جلوس نکند، صلحی در خاورمیانه، برقرار نخواهد شد.»

«آن روز دارد فرا می‌رسد، و به یقین فرا خواهد رسید و شما و من هم بخشی از آن خواهیم بود. اما تا آن روز، یعنی تا روزی که شاهزاده صلح، نجات دهنده ما بازگردد، هیچ صلحی در روی زمین وجود نخواهد داشت.»

وقتی فاول با خبرنگار رابرت شیر مصاحبه می‌کرد - که بعد در شماره 4 مارس 1981 لوس آنجلس تایمز، منتشر شد - بیشتر نبرد هارمجدون را در ذهن خود داشت. گفتگوی آن وقت این دو از این قرار است:

شیر: «اما درباره آینده، شما در جزوه خودتان درباره هارمجدون یک جنگ هسته‌ای را با روسیه پیش بینی می‌کنید.»

فاول: «ما باور داریم که روسیه، به علت نیازش به نفت - چون حالا نفتش دارد تمام می‌شود - به خاورمیانه؛ و به ویژه - به علت نفرتش از یهودیان - به اسرائیل می‌آید؛ و درست در همان وقت است که درهای جهنم باز می‌شود. آن وقت به اعتقاد من چند همه سوزی هسته‌ای در این کره زمین روی خواهد داد. زیرا [کتاب مقدس] می‌گوید که در جاده‌های دره اسدراون، تا 200 مایل، خون، تا دهنه اسبان راه خواهد افتاد. نیز از حوادث وحشتناکی صحبت می‌کند که یک انسان، بنا به شرح رساله دوم پطرس رسول در باب سوم - یعنی گداخته شدن عناصر از گرما - را تنها می‌تواند به یک جنگ هسته‌ای نسبت دهد. اما من فکر می‌کنم در پایان عصر کلیسا، یعنی وقتی کلیسا - چنانکه ما اصطلاحاً می‌گوییم -

از خود بیگانه شده یا فاسد شده، ربوده شده باشد - آن وقت جنگ و ستیزهای افسارگسیخته‌ای، در روی زمین، روی خواهد داد.»

شیر: «و روسیه...»

فال ول: «و روسیه هجوم خواهد کرد و سرانجام به کلی نابود خواهد شد.»

شیر: «و همه جهان، جز اینست؟»

فال ول: «نه، نه همه جهان، زیرا خداوند ما به جهان باز می‌گردد. نخست، او می‌آید و کلیسا را به دست خود می‌گیرد. هفت سال بعد، بعد از هارمجدون، یعنی آن همه سوزی وحشتناک؛ او، درست به همین زمان ما باز می‌گردد. در نتیجه زمین نابود نخواهد شد. کلیسا هم با او می‌آید، تا در طی هزاران سال، در زمین با مسیح حکومت و سلطنت نماید. و سپس آسمان‌های نوین و زمین نوین و ابدیت فرا می‌رسد. این است همه آنچه که در آن کتاب درباره هارمجدون گفته شده - و این، البته فقط کلیات مطلب است.»

شیر: اما مگر ممکن است که روسیه با سلاحهای هسته‌ای نابود شود، بی آنکه دنیا را نابود کرده باشد؟»

فال ول: «بله، البته منظورم این نیست که هر فرد روسی نابود می‌شود، چون در آنجا هم مسیحیان بسیار والایی هستند. کلیسای مخفی در روسیه و چین سرخ، به طرز بسیار موثری، دارد کار می‌کند. اینان به هنگام از خود بیخود شدگی، نجات داده خواهند شد ... آن جنگ، از شمال برافروخته می‌شود - که باید از اتحاد شوروی باشد - و به وسط زمین می‌رسد - یعنی اسرائیل و خاورمیانه؛ و به این علت است که ما فکر می‌کنیم جنگ و جدال توسط اتحاد شوروی شروع خواهد شد. به این علت است که بیشتر ما به ظهور نزدیک عیسی مسیح اعتقاد داریم. به اعتقاد ما، ما داریم درست، در روزگار پیش از ظهور مسیح به سر می‌بریم.»

شیر: «ظهور نزدیک؟ منظورتان یک سال است، یا چند سال؟»

فال ول: «البته، هیچ کس این را نمی‌خواهد - خداوند هشدار داده است که هرگز تاریخی معین نکنیم. خداوند می‌گوید: «هیچ انسانی، روز یا ساعت آن را نمی‌داند.» من فکر می‌کنم هر گروه یا رهبر مذهبی که تاکنون تاریخش را معین کرده باشد، به حیثیت و آبروی خداوند، بی احترامی کرده و خودش را به زحمت انداخته است. ممکن است 50 سال بشود. من این طور فکر نمی‌کنم، من فکر نمی‌کنم این همه وقت داشته باشیم. من فکر می‌کنم، ما داریم به یک بن بست می‌رسیم. همه تاریخ، دارد به نقطه اوج خود می‌رسد. فکر نمی‌کنم که بچه‌های من، همه عمرشان را بکنند...»

فال ول در تراکتی که با عنوان «جنگ هسته‌ای و دومین ظهور مسیح» توسط «ساعت جزوی از کتاب مقدس کهن»، در سال 1983 منتشر شد، چنین نوشته بود: «بر اثر این آزمایش سخت، چنان خونریزی و ویرانی به بار خواهد آمد که همه جنگ های پیش از آن، بی اهمیت خواهند بود.»

فال ول در فصلی از کتاب خود با عنوان «جنگ آینده با روسیه»، تهاجمی را از سوی شوروی به اسرائیل پیشگویی می‌کند، که به نابودی نیروی‌های شوروی در کوه‌های اسرائیل، انجامیده خواهد شد.

و کتاب مقدس به عنوان سرانجام این نبرد، به ما می‌گوید که پنج ششم (83 درصد) سپاهیان روسی، هلاک خواهند شد (حزقیال، آیه 2 از باب 39) و نخستین میهمانی مهیب خداوند آغاز می‌شود، (حزقیال، آیه‌های 4 و 17 تا 20 باب 39)(24). به نظر می‌رسد که میهمانی مشابهی، پس از آن، یعنی پس از نبرد هارمجدون، پیش بیاید (مکاشفه یوحنا، آیه‌های 17 و 18 از باب نوزدهم (25) و آیه 28 باب 24 انجیل متی (26)). تهدید کمونیستی برای همیشه پایان خواهد گرفت. هفت ماه طول می‌کشد تا کشتگان را دفن کنند (حزقیال نبی، آیه‌های 11 تا 15 از باب سی و نهم). (27)

نویسنده: گریس هال سل
ترجمه: خسرو اسدی

شریف نیوز

پی نوشت:

1. Armageddon

2. Esdraelon

3. متن آیه: «وی یک ملک تعناک و یکی ملک مجدو».

4. متن سفر داوران باب پنجم، آیه 19: «پادشاهان آمده جنگ کردند. آنگاه پادشاهان کنعان مقابله نمودند «تعناک نزد آبهای مجدو»

5. متن دو آیه مکاشفه یوحنا یسول، باب شانزدهم، آیه‌های 19 و 20: «و شهر بزرگ، به سه قسم منقسم گشت و بلدان امته‌ها خراب شد و بابل بزرگ در حضور خدا به یاد آمد تا پیاله خمر غضب آلود خشم خود را بدو دهد. و هر جزیره گریخت و کوهها نایاب گشت.»

6. «و ششمین پیاله خود را بر نهر عظیم فرات ریخت و آبش خشکید تا راه پادشاهانی که از مشرق آفتاب می‌آیند مهیا شود.»

7. متن باب سی و هشتم، آیه 4 تا 7 کتاب صحیفه حزقیال نبی: «... و تو را با تمامی لشکرت بیرون می‌آورم، اسبان و سواران، که جمیع ایشان با جمعیت تمام آراسته و جمعیت عظیمی با سپرها و مجننها و همگی ایشان شمشیر به دست گرفته. فارس و کوش و فوط با ایشان و جمع ایشان با سپر و خود. جومر و تمامی افواجش و خاندان توجرمه از اطراف شمال با تمامی افواجش و قومهای بسیار همراه تو.»

8. متن آیه‌های 18، 19 و 20 باب سی و هشتم کتاب حزقیال نبی: «خداوند یهوه می‌گوید در آن روز یعنی در روزی که جوج به زمین اسرائیل برمی‌آید همانا حدت خشم من به بینیم خواهد برآمد، زیرا غیرت و آتش خشم خود گفته‌ام که هر آینه در آن روز تزلزل عظیمی در زمین اسرائیل خواهد شد و ماهیان دریا و مرغان هوا و حیوانات صحرا و همه حشراتی که بر زمین می‌خزند و همه مردمانی که بر روی جهانند، به حضور من خواهند لرزید و کرم‌ها سرنگون خواهد شد و صخره‌ها خواهد افتاد و جمیع حصارهای زمین منهدم خواهد گردید»

9. متن آیه‌های هشتم و نهم باب سیزدهم کتاب زکریای نبی: «و خداوند می‌گوید در تمامی زمین دو حصه منقطع شده خواهند مرد و حصه سوم در آن باقی خواهد ماند و حصه سوم را از میان آتش خواهم گذرانید و ایشان را مانند قال گذاشتن نقره، قال خواهم گذاشت و مثل مصفی ساختن طلا ایشان را مصفی خواهم نمود و اسم مرا خواهند خواند و من ایشان را اجابت نموده خواهم گفت که ایشان قوم من هستند و ایشان خواهند گفت یهوه خدای ما می‌باشد»

10. متن آیه دوازدهم از بابت سی و نهم کتاب حزقیال نبی: «و در آن روز موضعی برای قبر در اسرائیل یعنی وادی عابریم را به طرف دریا به جرج خواهم داد و راه عبورکنندگان را مسدود خواهد ساخت و در آنجا جوج و تمامی جمعیت او را دفن خواهند کرد و آنرا وادی جوج خواهند نامید»

11. متن آیه‌های 3 تا 7 باب نهم مکاشفات یوحنا: «و از میان دود ملخ‌ها به زمین آمدند و به آنها قوتی چون عقربهای زمین داده شد و بدیشان گفته شد که ضرر نرسانند، به گیاه و نه به هیچ سبزی و نه به درختی؛ بلکه به آن مردمانی که مهر خدا را بر پیشانی خود ندارند و به آنها [امر] داده شد که ایشان را نکشند، بلکه تا مدت پنج ماه معذب بدارند و اذیت آنها مثل اذیت عقرب بود وقتی که کسی را نیش زند و در آن ایام هر دم طلب موت خواهند کرد و آن را نخواهند یافت و تمنای موت خواهند داشت اما موت از ایشان خواهد گریخت»

12. متن آیه 16 از باب 16 مکاشفه یوحنا قدیس: «و ایشان را به موضعی که آن را عبرانی هارمجدون می‌خوانند، فراهم آوردند.»

13. متن آیه 8 و 9 از باب 13 کتاب زکریای نبی: «و خداوند می‌گوید که در تمامی زمین دو حصه منقطع شده خواهند مرد و حصه سوم در آن باقی خواهد ماند و حصه سوم را از میان آتش خواهم گذرانید و ایشان را مثل قال گذاشتن نقره

قال خواهیم گذاشت و مثل مصفی ساختن طلا ایشان را مصفی خواهیم نمود و اسم مرا خواهند خوانند و من ایشان را اجابت نموده خواهیم گفت: ایشان قوم من هستند و ایشان خواهند گفت که بیهوه خدای ما می باشد»

14. متن آیه 11 از باب 12 کتاب زکریای نبی: «در آن روز، ماتم عظیمی مانند ماتم هددرمون در همورای مجدون در اورشلیم خواهد بود»

15. در متن اصلی چنین است؛ اما باب سی و چهارم تنها 17 آیه دارد و به نظر می رسد که غلط چاپی باشد و درست آن: آیه های پنجم و ششم باب سی و چهارم باشد که متن آن اینست: «زیرا که شمشیر من در آسمان سیراب شده است و اینک بر آدم و بر قوم مغضوب من برای داوری نازل می شود شمشیر خداوند پر خون شده و از پیه فربه گردیده است یعنی از خون بره ها و بزها و از پیه گرده قوچها»

16. متن آیه های دوم و دوازدهم باب سوم کتاب بوییل نبی: «آن گاه جمیع امت ها را جمع کرده به وادی یهوشافاط فرود خواهیم آورد و در آنجا با ایشان درباره قوم خود و میراث خویش اسرائیل محاکمه خواهیم نمود، زیرا که ایشان را در میان امتهای پراکنده ساخته و زمین مرا تقسیم نموده اند، امت ها برانگیخته شوند و به وای یهوشافاط برآیند، زیرا که من در آنجا خواهیم نشست تا بر همه امتهایی که به اطراف آن هستند داوری نمایم»

17. متن آیه های 1 و 2 باب چهاردهم کتاب زکریای نبی: «اینک روز خداوند می آید و غنیمت تو در میان تقسیم خواهد شد و جمیع امتهای را بر ضد اورشلیم برای جنگ جمع خواهیم کرد و شهر را خواهند گرفت و خانه ها را تاراج خواهند نمود و زنان را بی عصمت خواهند کرد و نصف اهل شهر به اسیری خواهند رفت و بقیه قوم از شهر منقطع نخواهند شد»

18. متن آیه 15 باب نوزدهم مکاشفه یوحنا رسول: «و از دهانش شمشیری نیز بیرون می آید تا به آن امت ها را بزند و آنها را به عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود و او چرخشت خمر غضب و خشم خدای قادر مطلق را زیر پای خود می افشرد»

19. متن آیه 12 باب شانزدهم مکاشفه یوحنا رسول: «و ششمین پیاله خود را بر نهر عظیم فرات ریخت و آبش خشکید، تا راه پادشاهانی که از مشرق آفتاب می آیند مهیا شود»

20. متن آیه های 2 تا 8 باب 38 کتاب حزقیال نبی: «ای پسر انسان نظر خود را بر جوج که از زمین ماجوج و رییس روش و ماشک و توبات/te